

از جهان سوم به جهان اول  
داستان سنگاپور

از ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



مشکلات زیادی فرا راه ما قرار داشت و شانس بقای ما غیر محتمل به نظر می‌رسید. سنگاپور کشوری طبیعی نبود؛ ما مملکتی بودیم که خود به وجود آورده بودیم و در طول تاریخ جز قلمرو دیگران به شمار می‌رفتیم. ما محض سرزمینی بودیم که بریتانیا آن را به حیث ایستگاه/بندرگاه تجارتي خود به وجود آورده و از آن در سمت نقطه وصل تجارت جهانی خود استفاده می‌کرد. ما این جزیره را به شکل یک نوار ساحلی، بدون سرزمین‌های مربوطه عقبی آن به میراث برده بودیم؛ این سرزمین در حقیقت قلبی بود که بدنه آن در اختیار ما قرار نداشت.

## حمله مر موز به جان جنرال ظاهر ظاهر



صفحه ۶

## واکنش رییس جمهوری به یک مقاله روزنامه ماندگار



روزنامه‌نگاران این واکنش آقای رییس‌جمهور غنی را دلگرم‌کننده خوانده‌اند و باور دارند که آزادی بیان بدون توجه مسوولان امور به کار رسانه‌ها معنایی نخواهد داشت. یکی از روزنامه‌نگاران به روزنامه ماندگار گفت که سیزده سال قلم زدیم، اما کوچکترین بهایی حامد کرزی به نوشته‌های ما قایل نشد.

بدهدید که ما در پشت‌تان قرار داریم. دکتر غنی افزود: «به کارتان ادامه بدهید؛ ما از ژورنالیزم تحقیقی حمایت می‌کنیم و فساد را در هر نهادی که وجود دارد افشا کنید.» این نخستین‌باری است که رییس‌جمهوری افغانستان در پی نشر یک نوشته، در رسانه‌ها واکنش نشان داده و برای اصلاحات در نهادهای دولتی خود دست به کار می‌شود. اما اداره روزنامه ماندگار، ضمن سپاس از توجه رییس‌جمهوری اسلامی افغانستان، تأکید می‌کند که در آن گزارش به مشکلاتی توجه شده بود که در اداره «ثبت احوال نفوس» که تذکره یا شناسنامه‌های کاغذی را توزیع می‌کند بوده است؛ نه اداره شناسنامه‌های الکترونیکی که به تازگی در چوکات وزارت داخله تأسیس شده است. پیش از این، روزنامه‌نگاران در طول سیزده سال از بی‌توجهی دولت به کار رسانه‌ها اعتراض داشتند.

دکتر اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور در پی نشر یک مقاله در روزنامه ماندگار، طی یک تماس تلفونی از نویسنده این مقاله ابراز سپاس و امتنان کرد. روز گذشته، روزنامه ماندگار در مقاله‌ی زیر عنوان «فاسدترین و پاک‌ترین اداره دولتی»، خواستار اصلاحات سریع در اداره ثبت احوال نفوس شده بود. در اداره ثبت احوال نفوس، روزانه صدها تن به دلیل بروکراسی منفی‌بی‌که در این نهاد وجود دارد، سرگردان این طرف و آن طرف می‌دوند. دکتر غنی در تماس با اداره روزنامه ماندگار، در صحبت با مجتبی امیری نویسنده آن گزارش و مدیر خبر روزنامه گفت: گزارش شما را خواندم و به رییس تذکره وزارت داخله زنگ زدم و گفتم تا یک هفته دیگر یا بیاید پروسه ساده‌سازی را ایجاد کنید و یا خود را مستعفی بدانید.» او گفت که به مردم افغانستان و روزنامه‌نگاران اطمینان

## وزیر معادن در مجلس سنا:

## دولت جلو زورمندان را بگیرد



سرپرست وزارت معادن افغانستان در نشست مجلس سنا گفت: علاقه سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در این کشور افزایش یافته است. محمداکبر بارکزی سرپرست وزارت معادن افغانستان در نشست فراخوان روز یکشنبه مجلس سنا اعلام کرد: علاقه سرمایه‌گذاران بین‌المللی در کشور افزایش یافته است. بارکزی دلیل افزایش علاقه سرمایه‌گذاران بین‌المللی را تصویب قانون معادن این کشور دانست و تأکید کرد: با تصویب این قانون، قراردادهای چندین معدن دیگر مانند معدن جاجی‌گگ به زودی امضا خواهد شد. وی در ادامه نبود امنیت کافی برای سرمایه‌گذاری در این کشور را بزرگترین چالش فراروی سرمایه‌گذاران بین‌المللی خواند و از اعضای شورای ملی و دولت افغانستان خواستار همکاری در تأمین امنیت مناطقی شد که در آن معادن وجود دارد. سرپرست وزارت معادن افغانستان در ادامه با اشاره به کار استخراج معادن ذغال سنگ در ولایت‌های شمالی کشور اظهار داشت: اکثر معادن به صورت قانونی و قراردادی

## جنرال رازق:

## پاکستان نه غواری چی په افغانستان کې د سر سړي پاتې شي



د جنوبي زون درستيزوال او د کندهار امنیه قوماندان جنرال عبدالرازق وايي، د کندهار د مرستیال والي عبدالقدیم پتیل د وژني پلان په پنجاب کې طرحه شوی وو.

نوموړی زیاتوي، چې افغاني مشران د یوې دسیسې له مخې وژل کېږي او گاونډی هېواد پاکستان نه غواري چې په افغانستان کې...

ادامه صفحه ۶

## در برگ ها

اصلاحات در  
کمیسیون های  
انتخاباتی، اما  
چه زمانی؟اقتصاد  
مکتب  
اتریشیگفت‌وگویی  
ژان لوک گدار  
با میکال آنجلو  
آنتونیونیدختری در سرپل،  
به‌خاطر حامله  
شدن به قتل رسید



احمد عمران

# اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی، اما چه زمانه؟



## سخن ماندگار

### دشواری های دولت چین در امر صلح افغانستان

در حکومت وحدت ملی، پای چین برای همکاری به افغانستان دراز شده است. چین نقطه سیاسی همکاری اش را درک کرده که فشار وارد کردن بر پاکستان است تا در افغانستان امنیت و ثبات بیاید؛ چنانکه بعد از سفر رییس دولت وحدت ملی به چین، آن کشور تلاش هایی را به راه انداخت و تماس هایی با پاکستان گرفت و روی مسایل صحبت کرد و در تازه ترین اقدام هم پاکستان به چین وعده سپرده است که همکاری خود را با پکن در خصوص افغانستان افزایش می دهد. نخست وزیر پاکستان اول این هفته، در جریان نشست با رییس جمهوری چین گفته بود که اسلام آباد به پکن در خصوص افغانستان همکاری هایش را بیشتر می کند. هم چنان چین به دولت افغانستان وعده سپرده است که از نفوذش بر اسلام آباد برای زمینه سازی در گفت و گوهای صلح استفاده خواهد کرد. اما چین با دشواری هایی در امر صلح افغانستان مواجه است که دولت افغانستان پیش پای آن می گذارد؛ زیرا در صورتی که دیدگاه شفاف و روشنی از جانب افغانستان در خصوص جنگ و صلح کشور وجود نداشته باشد، آن کشور نیز نمی تواند کار موثری را در این خصوص انجام دهد. چنانکه نماینده سیاسی کشور چین در امور افغانستان، بعد از بازگشت رییس جمهور غنی از چین، گفت که چین و پاکستان می توانند در صورتی همکاری افغانستان باشند که این کشور دیدگاه واضح و روشنی در خصوص صلح داشته باشد.

این نشان می دهد که گنگ بودن دیدگاه رسمی دولت افغانستان در سیزده سال گذشته و اکنون، در خصوص جنگ و صلح کشور، برای همه کشورهای همسایه و جهان روشن شده است. بنابراین، کشورهای کمک کننده و خیر زمانی می توانند برای ما مفید تمام شوند که ما راه درستی را پیش روی آن ها بگذاریم و واقعیت ها را آن گونه که هست بنمایانیم و خودمان را در این میانه گول نزنیم.

زیرا افغانستان، زمانی به ثبات دست می یابد که پاکستان در قضیه افغانستان منعطف شود و برای ثبات در این کشور کار کند و تا زمانی که پاکستان نخواهد، افغانستان به ثبات دست نمی یابد. ما زمانی می توانیم بر پاکستان فشار وارد کنیم که دوستان و متحدان پاکستان و قدرت های منطقه را در برابر او قرار بدهیم و یا از ایشان بخواهیم که در این خصوص مداخله کنند. بنابراین، چین به عنوان تنها متحد بزرگ پاکستان در منطقه می تواند تنها مرجع فشار بر پاکستان به خاطر افغانستان باشد؛ اما به شرطی که چینی ها دیدگاه شان نسبت به افغانستان را از منظر منافع پاکستان عیار نکنند و باید خودشان به درک مستقلی از وضعیت موجود در افغانستان برسند. البته این همه زمانی ممکن است که دولت افغانستان، معضل افغانستان با پاکستان را به درست ترین روش به چینی ها به معرفی بگیرد و به گونه رسمی اعلام کند که طالبان به عنوان ابزار سیاست خارجی پاکستان در دست آی اس آی قرار دارد و افغانستان به گونه مستقیم و غیر مستقیم، از طرف پاکستان مورد حمله قرار دارد و تاریخ حد اقل پیش از ۱۳ سال این نکته را بسیار روشن کرده است و با گذشت هر سال هم این نکته روشن تر شده است. اما اگر ما طالبان را به جای این که ابزار دست استخبارت پاکستان هستند، به عنوان مخالفان سیاسی معرفی کنیم و آنان را عزیز قلم داد کنیم، به معنای آن است که به دوستان مان بفهمانیم که طالبان دلیل جنگ نیستند. در چنین صورتی چینی ها و یا هر دوست دیگری در این میان در می ماند که کدام گروه طرف جنگ دولت افغانستان است. هم چنان اگر ما پاکستان را آن گونه بی که هست معرفی نکنیم و نگوییم که آن کشور با ما مشکل دارد، پس چینی ها روی کدام نقاط روشن و تعیین کننده، با پاکستان صحبت کنند. حالا که دست چین، به خاطر همکاری به افغانستان دراز شده است، لازم است که سیاست مداران ما دیدگاه واحد و روشنی را در قبال قضایای کشور، در اختیار کشور چین قرار بدهند.

در حق مردم افغانستان کرد، یکی هم دخالت مستقیم و جانبدارانه در کار گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی بود. آقای کرزی به ظاهر مکانیزمی را معرفی کرد که براساس آن چنین به نظر برسد که اعضای کمیسیون های انتخاباتی به شیوه دموکراتیک و به وسیله یک کمیسیون مستقل برگزیده شده اند ولی در عین حال او چنان راهکاری را انتخاب کرده بود که افراد مورد اعتمادش در فهرست ابتدایی قرار گیرند و تصمیم گیرنده نهایی در مورد مشخص کردن افراد نیز در اختیار خودش باشد. چنین مکانیزمی بدون شک بدتر از هر نوع انتصابی می تواند باشد. ایکاش آقای کرزی این قدر جرات می داشت که به صورت مستقیم و بی پرده اعضای کمیسیون ها را انتخاب می کرد تا این همه جار و جنجال بالا نمی گرفت و سرنوشت انتخابات هم از آغاز مشخص می بود. او چنین نکرد و با بردن انتخابات به سمت بحران معضل کلانی را در کشور به وجود آورد. ضرب المثلی است که می گوید مرده را نباید چوب زد ولی به گفته داکتر رضا براهنی که در مورد یکی از شاعران می گوید، مرده بی مثل کرزی را با چوب زد و خوب هم چوب زد و بعد پوست او را از کاه پرکرد و بر سر دروازه تاریخ آویخت تا دیگری که پس از او می آیند از سرنوشتش عبرت گیرند. در همین حال نسبت به اعضای فعلی کمیسیون های انتخاباتی نیز نباید سهل انگارانه و یا با تسامح برخورد کرد. این افراد به باور اکثر جامعه خطا کاران واقعی اند و باید عملاً محاکمه شوند. آوازه های وجود دارد مبنی بر این که در دولت وحدت ملی نظر واحد در مورد کارکرد اعضای فعلی کمیسیون های انتخاباتی وجود ندارد. آقای غنی به عنوان رییس جمهوری خواهان برخی تغییرات در کمیسیون های انتخاباتی است اما در مورد اعضای فعلی کمیسیون ها نظر خوشبینانه دارد. خلاف آن آقای عبدالله تلاش دارد که تغییرات و اصلاحات در سطح کلان در کمیسیون های انتخاباتی انجام شود. این دو دیدگاه می تواند روند اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی را به کندی و حتا توقف منجر سازد و این نگرانی بزرگی است که از حالا در سیمای شهروندان کشور دیده می شود.

مانده است. در انتخابات سال روان ریاست جمهوری شاهد بودیم که سؤاستفاده از مکانیزم های دموکراتیک افغانستان را تا لبه پرتگاه پیش برد. مشکل اصلی در این رابطه بدون کمترین تردیدی نقش ساختارهای انتخاباتی در مدیریت برگزاری انتخابات سالم و رضایت بخش بود. انتخابات زمانی به بحران رفت که اعضای ارشد کمیسیون های انتخاباتی جانبدارانه عمل کردند و بدون در نظر داشت موقعیت و اهمیت کار خود در خدمت برنامه های غیرملی قرار گرفتند. به باور بسیاری از آگاهان سیاسی اگر در افغانستان انتخابات در فضای سالم برگزار شود و بازتاب دهنده آرای مردم باشد، بسیاری از مشکلات جامعه راه حل های منطقی و عقلانی پیدا می کند. بازی با انتخابات به معنای بازی با سرنوشت کشور است. بازی با سرنوشت مردمی که از کمترین امکانات رفاهی بهره مند اند و مضاف بر آن بار سنگین یک جنگ تحمیلی را نیز به دوش می کشند. به همین دلیل بحث تغییر در ساختارهای انتخاباتی کشور به شدت یک بحث مهم و فوری باید تلقی شود. اما این تغییرات چگونه باید انجام یابند. نخست؛ تغییر در سیستم و قانون انتخابات افغانستان؛ سیستم انتخابات افغانستان که بر مبنای رای فردی غیر قابل انتقال است در موجودیت نوع ساختاری که برای آن در نظر گرفته شده، کارآیی ندارد و به ابزار سؤاستفاده های شخصی و گروهی تبدیل شده است. افراد به ساده گی می توانند از سیستم فعلی انتخابات به نفع خود بهره برداری کنند. در همین حال قانون انتخابات کشور نیز از نقطه ضعف های فراوانی رنج می برد. معیارهای شرکت در انتخابات، شمارش آرا و مدیریت آن از مهم ترین ضعف های قانون انتخابات کشور می توانند باشند. دوم؛ گزینش افراد جدید در پست های کلیدی کمیسیون های انتخاباتی؛ از دیگر مشکلات اساسی انتخابات افغانستان مدیران ارشد و نوع گزینش آن هاست. هر چند حکومت پیشین تلاش کرد که نشان دهد در گزینش اعضای کلیدی کمیسیون های انتخاباتی اصول دموکراتیک را رعایت کرده اما اسناد و مدارک انکار ناپذیری دال بر انتصابی بودن شمار زیادی از اعضای کمیسیون های انتخاباتی دارد. آقای کرزی در زمان ریاست جمهوری خود علاوه بر جفا های فراوانی که

اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی چه زمانی عملی خواهد شد؟ این پرسش این روزها به شدت در میان اهل سیاست داغ شده و همه انتظار دارند که رهبران دولت وحدت ملی همان گونه که پیش از تشکیل حکومت جدید وعده سپرده بودند، اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی را به عنوان یک نیاز جدی و اساسی آغاز کنند. این موضوع زمانی فوریت می یابد که بحث انتخابات پارلمانی مطرح می شود. افغانستان در آستانه انتخابات دیگری قرار دارد. انتخابات پارلمانی که اهمیت و جدیت آن کم از انتخابات ریاست جمهوری نیست. اگر در انتخابات ریاست جمهوری، زعم کشور مشخص می شود در انتخابات پارلمانی نماینده گان مردم در شورای ملی برای یک دوره پنج ساله به وسیله رای مردم برگزیده می شوند. انتخابات برای افغانستان به عنوان کشوری که القاب دموکراسی را تمرین می کند مهم و حیاتی است. در قانون اساسی افغانستان صراحت یافته که حاکمیت حق مردم است که به وسیله نماینده گان آن ها در شورای ملی تمثیل می شود. در حقیقت ویژه گی اصلی نظام های مردم سالار برخلاف نظام های استبدادی و فرد محور در انتخابی بودن آن هاست. انتخابات فصل تمایز حاکمیت هاست. در کشورهای که انتخابات به گونه شفاف و به دور از دستکاری های سازمان یافته صورت می گیرد، سطح پاسخگویی دولت به مردم بیشتر دیده می شود و به همان میزان کارآیی نظام در برآورده کردن مطالبات شهروندان افزایش می یابد. نظام های که براساس انتخابات شکل می گیرند تبلور اراده و رای مردم اند و به همین دلیل کمتر در سرانگشت سقوط و خشونت قرار می گیرند. در چنین نظام های کنار رفتن افراد زیاد حایز اهمیت نیست زیرا که اصول کلی نظام هم چنان پابرجاست و ساختارها به گونه فعال در صحنه حضور دارند. افغانستان تازه چنین فضایی را تجربه می کند. تجربه دموکراسی نوپا برای افغانستان خالی از چالش و دغدغه نبوده است. در بیشتر از یک دهه گذشته که نهاد های دموکراتیک در کشور شکل گرفته، عوارضی نیز به خود به همراه داشته است. سؤاستفاده از سازوکارهای دموکراتیک و مردم سالارانه به نفع یک فرد و یا گروه هم چنان پرنرنگ باقی



خبرگزاری فرانسه

# ياسر عرفات؛ مظهر فلسطين



ياسر عرفات، رييس فقيد تشکيلات خودگردان فلسطين چندين دهه مظهر مبارزات فلسطين براي استقلال بود. با گذشت ۱۰ سال از مرگش، وي همچنان قهرمانی ملی براي مردم بی سرزمین فلسطين است.

هنگامي که ياسر عرفات در ۱۱ نوامبر سال ۲۰۰۴ ميلادی فوت کرد، رييس تشکيلات خودگردان فلسطين بود؛ یک هيأت موقت که در سال ۱۹۹۴ ميلادی تشکيل شده و قرار بود تا سال ۱۹۹۹ ميلادی قدرت را به دولت دائمی محول کند.

محمود عباس، جانشين ياسر عرفات تلاش کرد و فلسطين را به درجه «کشور ناظر در سازمان ملل» رساند اما در شرايطی که ۶۶ سال پس از تشکيل «اسرائيل»، فلسطينیها همچنان منتظر تشکيل کشور خودشان هستند.

خاوير ابوعيد، سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطين که در سال ۱۹۹۳ ميلادی با اسرائيل معاهده صلاح «اسلو» را امضا کرد، گفت: عرفات نخستين کسی بود که تصميم دشوار به رسميت شناختن خطوط مرزی ۱۹۶۷ و دست کشيدن از ۷۸ درصد از فلسطين تاريخی و بازکردن راه برای همزیستی را اتخاذ کرد.

اما هنگامي که اين دوره موقت بدون توافق نامهای دائمی در سال ۱۹۹۹ ميلادی پايان يافت و در سال ۲۰۰۰ ميلادی نيز مذاکرات صلح «کمب ديويد» تحت رهبری آمريکا بی نتيجه ماند، با بروز انتفاضه دوم وضعيت وخيم تر و بدتر شد.

همزمان با وخيم شدن اوضاع، اسرائيل شخص ياسر عرفات را اصلی ترين مانع برای صلح توصيف کرده و گفت، دوران جديد هنگامي به وجود می آيد که عرفات نباشد.

ابوعيد گفت: در سال ۲۰۰۴ ميلادی اسرائيل گفت اصلی ترين مانع برای صلح از بين رفت و ما با رييس منتخب جديد فلسطين همکاری می کنيم.

وي افزود: اما چند ماه بعد در اوت سال ۲۰۰۵ ميلادی تمامی نیروها و مهاجران اسرائیلی از نوار غزه خارج شدند، تصميمی یک جانبه که بدون هيچ گونه هماهنگی با محمود عباس اتخاذ شد.

## کاريزمای فردی

ناتان براون از کارنگی «وقف برای صلح بين المللی» در واشنگتن می گوید، اگرچه محمود عباس به عنوان رييس سازمان آزادی بخش فلسطين و تشکيلات خودگردان فلسطين و رهبر جنبش فتح خدمت می کند اما اين سازمانها نسبت به زمانی که تحت رهبری ياسر عرفات قرار داشتند، ايهت و صلابت خود را از دست داده اند.

کريم بيتار، از موسسه روابط استراتژیک و بين الملل مستقر در پاریس می گوید: عرفات معروف به ابوعمار از کاريزمای فردی استفاده کرد اما نمی دانست چگونه وظایفی را به افرادی محول، موسساتی را ايجاد و برای آينده برنامه ریزی کند.

وي افزود: عرفات یک انقلابی بود نه یک سیاستمدار. او برای عمل و ارتباط به دنيا آمده بود نه برای تفکرات استراتژیک. فلسطين امروز زندانی توافق نامه های است

## سوء قصد داعش به ملکه بریتانیا خشی شد



مقامات امنیتی و پوليس انگلیس می گویند یک توطئه خطرناک علیه ملکه را خشی کرده اند. اين مقامات گفته اند یک گروه وابسته به داعش قصد داشتند در آخر هفته و در مراسم بزرگداشت قربانیان جنگ جهانی اول، ملکه الیزابت را از پای درآورند که در حمله پيشدستانه ناکام مانده و دستگیر شده اند.

شفقنا به نقل از راشاتودی نوشت: مقامات پوليس لندن گفته اند در حمله ای، چهار نفر به گفته آنها اسلامگرای افراطی را بازداشت کرده اند که قصد داشتند با چاقو ملکه ۸۸ ساله بریتانیا را بکشند. اين افراد که در روز پنجشنبه دستگیر شده اند، بين ۱۹ تا ۲۷ سال سن دارند و همگی تبعه انگلیس هستند. آنها عضو یک گروه مخفی تروریستی بوده اند.

رسانه های انگلیسی گفته اند پوليس و نیروهای امنیتی به کمک سرويس داخلی اطلاعات این کشور موسوم به MIS از چند ماه پيش اين افراد را تحت نظر داشته اند. با اینکه هيچ سلاح گرمی از اين افراد کشف نشده اما روزنامه ساندی تایمز فاش کرده آنها قصد داشتند روز یکشنبه ۹ نوامبر به ملکه حمله کنند.

اين روزنامه همچنين اعلام کرده اين گروه چهارنفره وابسته به داعش هستند که در پی فراخوان اين گروه برای گسترش جنگ علیه غرب، قصد حمله به ملکه الیزابت دوم را داشته اند. یکی از دستگیرشدگان ۱۹ ساله و يوسف سيد نام دارد که به گفته همسایگانش به تازگی از پاکستان بازگشته است.

از ابتدای امسال ۲۲۰ مظنون به اعمال تروریستی در انگلیس بازداشت شده اند و ده ها تن ديگر دوشادوش گروه تروریستی و تکفیری داعش در حال کشتار مردم عراق و سوریه اند.

## چرچیل خواهان حمله هسته ای به شوروی بود



جديدترین اسناد اف بی آی فاش کرد، وينستون چرچیل، رهبر انگلیس در دوران جنگ جهانی دوم تاکيد داشته است که آمريکا باید برای پیروزی در جنگ سرد حمله هسته ای به شوروی انجام دهد.

به نوشته روزنامه دیلی میل، وينستون چرچیل، سیاستمدار و نویسنده انگلیسی بود که بين سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ یعنی در طول جنگ جهانی دوم و بار ديگر بين سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ نخست وزير انگلیس بود.

اسناد اداره تحقیقات فدرال آمريکا (اف بی آی) نشان می دهد که چطور رهبر انگلیس عقایدش را برای یک سیاستمدار آمريکایی در سال ۱۹۴۷ بازگو می کند.

چرچیل بر اين باور بود که یک حمله پيشگیرانه به روسیه تحت رهبری ژوزف استالين می تواند تهديد کمونیسم را برای غرب پايان دهد. استالين رهبر و سیاستمدار کمونیست شوروی بود که از اواسط دهه ۲۰ تا زمان مرگش در ۱۹۵۳ رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی و در نتيجه رهبر دوفاکتوی کل اين کشور بود.

در اين اسناد که یکی از عوامل اف بی آی ثبت کرده است، گزارش شده است که چرچیل خطاب به استالين بریجز، سناتور جمهوری خواه راست گرا تاکيد کرد که وی باید هری ترومن، رييس جمهوری دموکرات وقت آمريکا را متقاعد کند که حمله اتمی انجام دهد چرا که در آن صورت کرملين تضعيف می شود و شوروی به یک مشکل کوچک و قابل حل تبديل می شود. کشور شوروی در آن دوران در مقابل حملات اتمی آسیب پذیر بود چرا که تا سال ۱۹۴۹ آن ها نتوانستند که آزمایش هسته ای موفقیت آمیز داشته باشند.

بریتانیا و شوروی در جریان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۴۵ متحد بودند؛ اين درست همان سالی بود که چرچیل خدمتش در پست نخست وزیری به پايان رسيد. اسناد اف بی آی نشان می دهد که خصومت چرچیل با متحد سابق کشورش تا حدی عمیق بود که حتی حاضر بود مرگ صدها هزار شهروند روسی را در جریان حمله هسته ای بپذیرد.

که توسط عرفات به شیوه ای نامناسب و بد رایزنی و امضا شده اند. عرفات که به تونس تبعید شده بود تنها می خواست به فلسطين بازگردد و به همین خاطر بدون دریافت ضمانت نامه ای برای توقف شهرک سازیها یا پايان اشغال فلسطين، توافق نامه های بسیاری را امضا کرد. تنها به عرفات قول هایی داده شد که هرگز عملی نشدند.

براون می گوید: ضرب الاجل های مطرح شده در معاهده صلح اسلو بدون هيچ پيشرفتی سپری شد و تنها به محبوبیت عرفات لطمه زد. عرفات در ۱۰ سال آخر ریاستش بخش اعظمی از محبوبیت و جذابیتش را به خاطر ناکامی در تشکيل کشور فلسطين، تحمل اشغال فلسطين و غيره از دست داد.

فلسطينیها همچنان شهرک سازیهای اسراييل را محکوم می کنند و در تلاشند تا یک چهارچوب زمانی را برای ايجاد کشوری در داخل مرزهای ۱۹۶۷ ميلادی تضمین کنند.

فلسطين قرار است در ماه جاری ميلادی پيش نویس قطعنامه ای را به شورای امنیت ارائه داده و خواستار پايان اشغال اسرائيل ظرف دو سال آتی شود؛ پروژه ای که احتمالاً از سوی واشنگتن وتو می شود.

## داد و قال داخلی

محمود عباس به عنوان رهبر جنبش فتح که عرفات در اواخر دهه ۱۹۵۰ ميلادی آن را تاسيس کرد، با درگیری های داخلی نيز مواجه است.

بیتار می گوید: عرفات یک ناسیونالیسم سکولار ايجاد کرده بود که در نتيجه اسلامی شدن مساله فلسطين، بیشتر ویژگی های خود را از دست داده است.

از کرانه باختری اشغال شده تا نوار غزه اين مساله ورد زبانها شده که تحت ریاست عرفات هرگز تفرقه و

## رهبر پیشین هنگ کنگ:

# چین تسلیم خواسته های دانشجویان نمی شود

وجود ندارد، برخوردار خواهد بود و اعطای حق رای عمومی را به عنوان هدف بعدی تعیین می کند.

اما کمیته دایمی کنگره ملی خلق چین در اگست سال جاری ميلادی اعلام کرد، نامزدهایی را که قصد دارند برای انتخابات رئيس اجرایی هنگ کنگ در سال ۲۰۱۷ کاندید شوند مورد بررسی قرار خواهند داد؛ مساله ای که به گفته فعالان دموکراسی اجرای حق رای عمومی را بی معنا می کند.

تانگ چی هوا، معاون رييس «کنفرانس رایزنی سیاسی خلق چین» است. اين سازمان بسیار عالی رتبه است اما عمدتاً به عنوان هيأت مشورتی تشریفاتی برای پارلمان چین تلقی می شود. تانگ چی هوا نخستين رهبر هنگ کنگ پس از واگذاری اين دولت شهر از انگلیس به چین محسوب می شود.



۳۱ اوت سال جاری ميلادی اتخاذ شده، تغییر نخواهد کرد.

چین از سال ۱۹۹۷ ميلادی تحت فرمول «یک کشور و دو سيستم» بر هنگ کنگ حکومت می کند. براساس اين فرمول هنگ کنگ از خودمختاری گسترده و آزادی هایی که در چین اما تصميم کمیته دائمی کنگره ملی خلق چین که

رهبر پیشین هنگ کنگ روز یکشنبه گفت، رهبران حزب کمونیست چین تسلیم خواسته های دموکراسی خواهانه دانشجویان اين دولت شهر نخواهند شد؛ اظهاراتی که واکنش صریح به پیشنهاد رهبران دانشجویان هنگ کنگ برای میانجی گری وی تلقی می شود.

به گزارش خبرگزاری رویترز، یکی از رهبران اعتراضات هنگ کنگ که چندین هفته خیابان های اين دولت شهر را مسدود کرده اند، روز پنج شنبه خواستار یک میانجی گر قابل احترام همچون تانگ چی هوا، رهبر پیشین هنگ کنگ شد تا به

برنامه ریزی و تنظیم سفری به پکن کمک کند. سخنگوی تانگ چی هوا گفت: رهبر پیشین هنگ کنگ معتقد است که دولت مرکزی چین دیدگاه های مختلف در هنگ کنگ را درک می کند اما تصميم کمیته دائمی کنگره ملی خلق چین که



احمد سیف

۲- روش‌شناسی سوژکتیو - ذهنی (۳)  
فعالیت‌ها و انتخاب‌های فردی بر اساس یک نظام ارزشی است که تنها برای افراد به صورت فردی شناخته شده است. ارزش‌گذاری سوژکتیو یا ذهنی کالاهاست که از دید این مکتب اقتصادی، ارزش اقتصادی‌شان را معین می‌کند. همانند دیگر اقتصاددانان، معتقدان مکتب اتریشی درباره ارزش‌گذاری ذهنی فردی قضاوت نمی‌کنند یا به آن انتقاد ندارند، بلکه از نظر آن‌ها این در واقع ارزشی است که هست و وجود دارد. برعکس دیگر اقتصاددانان، آن‌ها هرگز سعی نمی‌کنند این نوع ارزش‌گذاری را به زبان ریاضیات بیان کنند. این نظر که ارزش‌گذاری، طرح‌ها و انتظارات و درک از واقعیت همه ذهنی است، موجب می‌شود که تأکید اساسی در این مکتب بر فرایند و تغییر باشد و کارآمدی اقتصادی در این مکتب، وارسیدن این تغییرات دایمی است.

۳- تحلیل مطلوبیت نهایی

منگر، والر اس و استنلی جهونز، مستقل از یکدیگر زیربنای بررسی و تحلیل مطلوبیت نهایی را بنا نهادند. نقطه آغاز این است که نظر به این که منابع محدود و نیازهای بشری نامحدودند، این‌ای بشر به‌ناچار باید انتخاب کنند. در این انتخاب برای برآوردن نیازها از حادترین نیاز آغاز کرده و سپس

# اقتصاد مکتب اتریشی

به نیازهای دیگر می‌پردازند. به همین نحو اگر قرار باشد صرفه‌جویی صورت بگیرد، ابتدا در حوزه‌ی انجام می‌شود که برای مصرف‌کننده اهمیت کم‌تری دارد. ارزش در گوهر کالا نیست، بلکه در ذهن آدم‌هایی است که آن کالا را مصرف می‌کنند. قیمت بیان‌شده به واحد پولی بیان ارزش کالا نیست، چون ارزش مقوله‌ی ذهنی است. از دید مکتب اتریشی، همه چیز در اقتصاد به ارزش‌های انسانی وابسته و پیوسته است. ارزش کیفیتی نیست که در کالا وجود دارد و می‌تواند اندازه‌گیری شود. مطلوبیت و مفید بودن در ذهن مصرف‌کننده است و چون انسان‌ها درباره مطلوبیت یک کالا ضرورتاً نظر مشابه ندارند، ارزش کالا برای آدم‌های مختلف فرق می‌کند. هزینه هم در اقتصاد مکتب اتریشی، هزینه فرصت و از همین رو مقوله‌ی ذهنی است و نظر به این‌که برای عوامل اقتصادی مختلف این فرصت‌ها متفاوت‌اند، به همین دلیل هزینه هم تفاوت دارد. علت مبادله در اقتصاد همین نگرش متفاوت افراد به ارزش است. کسی که کفش می‌فروشد، برای پول ارزشی بیش از پول قابل است و برای کسی که کفش می‌خرد، به عکس، کفش بیشتر از پول ارزش دارد.

بخش دوم

۴- فرایند ادامه و تحول دایم به جای یک وضعیت ثابت

فعالیت‌های فردی در طول زمان اتفاق می‌افتد. یک شخص درباره یک پایان و سرانجامی که از نظر او مقبول است، تصمیم می‌گیرد و سعی می‌کند ابزارهای لازم برای رسیدن به آن سرانجام را انتخاب کند و بعد برای رسیدن به آن سرانجام دست به عمل بزند. ولی چون همه فعالیت‌های افراد در شرایط بی‌اطمینانی - به‌ویژه بی‌اطمینانی نسبت به طرح‌ها و انتظارات دیگران - صورت می‌گیرد، افراد گاهی به اهداف مقبول خود نمی‌رسند.

فعالیت‌های یک فرد ممکن است با فعالیت‌های دیگران تداخل کند. پیامدهای واقعی هر عملی تنها موقعی قابل دانستن است که عمل انجام شده باشد. البته این به این معنا نیست که یک شخص انتظارات خویش از طرح‌های دیگران را در نظر نمی‌گیرد ولی پیامدهای واقعی فعالیت‌های متعددی که هم‌زمان انجام می‌گیرند، قابل پیش‌نگری و پیش‌بینی نیست. وقتی کالایی به بازار عرضه می‌شود، فروشنده تنها به حدس و گمان می‌داند در چه قیمتی میزان

بدون این که دست به عمل بزند، نمی‌تواند چنین نتیجه‌ی بگیرد. نکته‌ی که در اقتصاد مکتب اتریش بسیار اساسی است این است که اقتصاد یعنی انتخاب فردی و به همین دلیل غیر قابل پیش‌بینی است. ارزش‌گذاری ذهنی افراد، گوناگون و مختلف است و قابل اندازه‌گیری به زبان ریاضی و بیان به صورت رابطه‌های آماری نیست. به جای اتلاف وقت برای یافتن رابطه‌های خیالی علت و معلولی در مقوله‌های اقتصادی، بهتر است انرژی و کوشش ما صرف بهتر فهمیدن فرایند انتخاب شود و بکوشیم به این پرسش جواب بدهیم که چگونه افراد انتخاب می‌کنند؟

مقوله تعادل برای بسیاری از اقتصاددانان، نشانه کارآمدی اقتصادی است. در وضعیت تعادلی، تقاضا با عرضه برابر است، در نتیجه شاهد مازاد یا کمبود عرضه نخواهید بود. چنین ادعایی بر این پیش‌گزاره استوار است که فعالان بازار می‌دانند قیمت تعادلی به چه میزان است و حرکت برای رسیدن به آن، مقدارش را تغییر نمی‌دهد. ولی اگر قیمت تعادلی را می‌دانیم، پس چرا بازار در حالت تعادلی نیست. از سوی دیگر،



حرکت برای رسیدن به تعادل در ضمن یک فرایند یادگیری و تغییر انتظارات هم هست که باعث تغییر در میزان تعادلی می‌شود. از نظر مکتب اتریشی، کارآمدی در درون فرایند عمل تعریف می‌شود نه به صورت یک حالت ثابت و غیر قابل تغییر. کارآمدی یعنی رسیدن به اهدافی که برای یک فرد بیشترین اهمیت را دارا هستند و هیچ‌گاه کارآمدی را مستقل از فرد تعریف نمی‌کنند.

۵- نظام بازار آزاد

بررسی نظام بازار اساساً درباره رفتارهای مبادله‌ی و نهادهایی است که این مبادلات در درون آن‌ها انجام می‌گیرد. نظام قیمت‌ها و اقتصاد بازار را تنها به صورت فرایندی که غریبه‌ها از طریق مبادله با هم رفیق می‌شوند، می‌توان فهمید. این نحوه نگرش روی مناسبات مبادله‌ی تمرکز می‌کند که در بازار ظهور می‌یابد، روی چانه‌زدنی که فرایند مبادله را مشخص می‌کند و نهادهایی که این مبادلات در درون‌شان انجام می‌گیرد.

بخش دوم و پایانی

## داستان موفقیت دو کارآفرین و میلیونر معروف



کریستوفر گاردنر

همان‌طور که در کتاب خاطرات کریستوفر گاردنر به نام «در جست‌وجوی خوشبختی واقعی» نوشته شده و ویل اسمیت آن را در فلمی به همین نام به تصویر کشیده، استعداد طبیعی و کار سخت و طاقت‌فرسا، کریستوفر گاردنر را از خیابان‌گردی به میلیونری بزرگ تبدیل کرد. او بی‌خانمانی خود را فرصت بزرگی برای خود می‌داند. داستان این ژنده‌پوش که اکنون یک میلیونر خودساخته و کارآفرین و سخنران چیره‌دست و همچنین یک انسان خیر و بشردوست است، در نوع خود بی‌نظیر است. او که به علاف وال‌استریت معروف بود و بسیاری زنده‌گی او را به همین عنوان توصیف می‌کردند، می‌گوید: از بی‌خانمانی تا کامیابی تنها یک چیز برایم مهم بود و آن احساس مسوولیت نسبت به پسر من است. بی‌خانمان بودم اما هرگز ناامید نبودم. برای رسیدن به این نقطه سختی‌های زیادی را تحمل کردم. رنج و شکست ناشی از یک ازدواج ناموفق، مدت‌زمانی زندانی شدن برای پرداخت نکردن تکلیف ورود به پارکینگ و کشمکش‌هایی که برای فراهم کردن یک زنده‌گی سالم برای خودم و پسر خردسالم تحمل کردم، بسیار رنج‌آور بود.

کریستوفر یک سال را در خیابان با پسرش به سر برد. آن‌ها شب‌ها در پناهگاه و در حمام عمومی و ایستگاه مترو می‌خوابیدند. اگرچه او بعدها در دفتر کار رییس خود و در ایستگاه راه‌آهن و در پناهگاه بی‌خانمان‌ها و پارک‌ها می‌خوابید، اما بعد از این‌که به عنوان خدمتکار در یک شرکت مشغول به کار شد، چون در محل کارش بی‌عیب و نقص بود، توانست از فرزندش هم مراقبت کند. سرانجام کریستوفر به عنوان یک دلال سهام وارد بازار کار شد و این تنها موقعیت گاردنر و نقطه عطفی در زنده‌گی این میلیاردر بی‌خانمان بود. امروز نام او به عنوان یک مولتی میلیونر، سخنران بانگیزه و نیکوکار و تاجر بین‌المللی می‌درخشد. این تاجر ثروتمند در حال حاضر مدیر عامل و مؤسس کریستوفر گاردنر بین‌المللی به ارزش خالص بیش از ۱۶۵ میلیون دالر است.

کریستوفر گاردنر می‌گوید: بی‌خانمانی زنده‌گی هر کسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گاهی اوقات رگه‌هایی از بدشانسی یا شرایط دشوار مانند بی‌کاری یا عدم پرداخت اجاره‌بهای خانه، بی‌خانمانی را منجر می‌شود.

داستان شگفت‌انگیز زنده‌گی گاردنر با عنوان «در جست‌وجوی خوشبختی» منتشر شده است. این خاطرات جزو پرفروش‌ترین‌ها بود و به بیش از چهل زبان ترجمه شده است. این کتاب حاوی درس‌هایی از زنده‌گی مانند شجاعت، سرسختی و نظم و انضباط است.

گاردنر موفقیتش را مدیون «بتی ژان» مسوول یک پرورشگاه می‌داند و معتقد است که این فرد، او را با معنویت آشنا کرد و به او یاد داد که هرچند فقیر است اما باید مسیر دیگری را پیش بگیرد و زنده‌گی‌اش را برای رسیدن به اهداف بزرگ تنظیم کند.

او بعد از این‌که ثروتمند شد، در زمینه کمک به زنان و مردان بی‌خانمان فعالیت کرد. او معتقد است، عشق همه چیز است و در جست‌وجوی آن‌چه دنبالش بود، خیلی خوش‌شانس بوده است. عشق پایه و اساس یک ارتباط خوب است و عشق باعث می‌شود انسان هدف اصلی خود را در زنده‌گی بیابد.



**برگردان: نازنین اردوبازارچی**

میکل آنجلو آنتونیونی، دیرتر از همکاران خود به فلم سازی رنگی روی آورد. صحرای سرخ ساخته شده به سال ۱۹۶۴، نخستین فلم رنگی اوست که در این فلم، تحول ابزار تکنالوژیک را به انقلاب نگره زیباشناختی آمیخته است. وی در مصاحبه پیش رو، در گفت و گویی با ژان لوک گدار، که او نیز در آغاز راه فلم سازی اش است، به روشن کردن ظرایف اولین تجربه رنگی خود پرداخته است.

\*\*\*

به نظر می رسد سه فلم اخیر شما یعنی ماجرا، شب و کسوف، از دل یکدیگر زاده شده اند و جستار واحدی را دنبال می کنند. اما گویا با «صحرای سرخ» به هدف جدیدی دست یافته اید. شاید ماجرا برای قهرمان زن فلم تنها یک صحرا باشد اما برای شما چیزی غنی تر و کامل تر است: این فلم راجع به تمام دنیا است و نه فقط دنیای امروزه.

فعلاً برای من دشوار است در مورد صحرای سرخ صحبت کنم، چون زمان زیادی از ساختن آن نمی گذرد. هنوز به «نیاتی» که مرا به سوی ساختنش کشاند، خیلی نزدیک و ذهن آزاد و فاصله یی مناسب از آن ندارم تا قضاوت صحیحی در موردش داشته باشم. با این وجود، می توانم بگویم این بار فلمی در باب احساسات نساخته ام. نتایجی که از فلم های قبلی ام به دست آورده ام - چه خوب و چه بد - حالا دیگر قدیمی شده اند. مسأله بر سر چیز کاملاً متفاوتی است. زمانی به رابطه میان شخصیت های فلم هایم با یکدیگر علاقه داشتم. اما حالا قهرمان اصلی باید با جامعه پیرامون خود مواجه شود و به این سبب است که این بار برخورد کاملاً متفاوتی با داستان داشته ام. ساده انگارانه است مانند برخی فکر کنیم جهان صنعتی غیر انسانی که افراد را تحت فشار قرار داده و به اختلالات عصبی کشانده در فلم محکوم می شود. نیت من - و به نظر من انسان می داند سنگ بنا را کجا گذاشته اما نمی داند در نهایت به کجا خواهد انجامید - ترجمه شعر آن جهان است؛ جهانی که در آن حتی کارخانه ها می توانند زیبا باشند. خطوط و انحناهای کارخانه ها و دودکش های شان می توانند از طرح یک درخت که به دیدن آن عادت کرده ایم، زیباتر باشند. این جهانی بسیار غنی، سرزنده و مفید است. باید بگویم اختلالات روانی بی که من کوشیده ام در صحرای سرخ توصیف کنم، مسأله سازش با محیط است. افرادی هستند که خود را با شرایط وفق می دهند و دیگری که قادر به این کار نیستند، شاید چون وابستگی شدیدی به شیوه زندگی بی دارند که اینک قدیمی شده است. این همان مشکل جولیانا است. شکافی آشتی ناپذیر و گسست میان حساسیت، هوش و روان او با شیوه زندگی تحمیلی اش وجود دارد که او را به سوی بحران شخصی می کشاند. این بحرانی است که نه تنها روابط سطحی او با جهان - درک او از صداها، رنگ ها و سردی اطرافیان - را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه تمامی سیستم ارزشی اش (اجتماعی، اخلاقی) را زیر و رو می کند.

**داستانی که جولیانا برای کودکش می خواند، چه ارتباطی با همه این ها دارد؟**

یک زن و یک کودک بیمار در داستان هستند. مادر باید داستانی برای کودک بیمار بگوید. اما او تمامی داستان هایی را که مادر می داند، از بر است. پس مادر باید داستان جدیدی بسازد. به نظر من، با توجه به حالت روانی جولیانا، طبیعی است داستانی که روایت می کند - به طور ناخودآگاه - تبدیل شود به گزیری از حقیقت زندگی اش و راهی باشد به سوی جهانی که در آن رنگ ها از آن طبیعت اند. دریا آبی است و شن ها سفید. حتی صخره ها شکلی انسانی به خود می گیرند، او را در آغوش می کشند و برایش آواز می خوانند.

صحنه مواجهه اش با کورادو در اتاق را به یاد دارید؟ زن به دیوار تکیه داده و می گوید: «می دانی چه می خواهم؟ می خواهم تمامی کسانی که دوستم داشته اند، مثل یک دیوار دورم را بگیرند.» او برای ادامه حیات به کمک آن ها احتیاج دارد؛ می ترسد به تنهایی قادر به این کار نباشد.

**پس، جهان مدرن تنها وسیله ای است برای بر ملا کردن یک اختلال روانی کهن و عمیق تر؟**

محیطی که جولیانا در آن زنده گی می کند، بحرانش را تشدید می سازد. اما طبیعتاً برای بروز بحران، یک پیش زمینه قوی لازم است تا در آن ریشه گیرد. تعیین علل و منشای روان رنجوری کار ساده یی نیست. این اختلالات به شکل های مختلفی ظاهر می شوند؛ نشانه های آن گاهی شبیه شیذوفرنی است. تنها با تحت فشار گذاشتن شخصیت ها و تحریک آن ها است که می توان به وضعیت پی برد. من به دلیل انتخاب یک نمونه آسیب شناسانه بسیار نقد شده ام. اما اگر زنی را انتخاب کرده بودم که کاملاً طبیعی در اجتماع حل شده باشد، درامی به وجود نمی آمد؛ درام در بطن آن هایی نهفته است که با هنجارهای اجتماع سازگار نمی شوند.

**نشانه هایی از این شخصیت در کسوف وجود ندارند؟** ویتوریا، یکی از شخصیت های کسوف، نقطه مقابل

جولیانا است. او زنی آرام و متعادل است که در مورد آنچه انجام می دهد، فکر می کند. هیچ نشانی از روان رنجوری در او وجود ندارد. در کسوف، بحران در رابطه با عواطف به وجود می آید. اما در صحرای سرخ، عواطف بی اهمیت بود. رابطه میان جولیانا و همسرش عادی است. اگر کسی از او بپرسد: «آیا عاشق همسرت هستی؟»، خواهد گفت: بله. تا زمان مبادرت به خودکشی، بحران او در اعماق وجودش مدفون شده و تا حدودی نامحسوس است.

مایلم این مسأله را روشن کنم که محیط اطراف او به وجود آورنده این بحران نیست: تنها تیر خلاص را می زند. شاید فکر کنید خارج از این محیط هیچ بحرانی به وجود نمی آید. اما این طور نیست. زنده گی ما مقهور «صنعت» است حتا اگر متوجه این قضیه نباشیم. منظوم از «صنعت»، تنها خود کارخانه ها نیست، بلکه محصولات آن را نیز شامل می شود. صنعت در تمام خانه های ما وجود دارد، محصولاتی از پلاستیک یا موادی که تا چند سال پیش کاملاً ناشناخته بودند، با رنگ های درخشان و همه جا به دنبال ماست، از طریق تبلیغاتی که کاملاً ماهرانه به روان و ناخودآگاه ما راه می یابد، ما را به دام می اندازد. با روایت داستان صحرای سرخ در جهان کارخانه ها به منشای این بحران رسیده ام؛ بحرانی که مانند یک رودخانه از هزاران انشعاب تشکیل شده، به دلنا می ریزد و از کناره ها سرریز می شود و همه چیز را در خود غرقه می کند.

**آیا زیبایی جهان مدرن، بازنمایی مشکلات روانی مردم نیست که بیهوده گی آن ها را برملا می کند؟**

که دختری بیست و چهار - پنج ساله از طبقه متوسط رو به پایین بود که حرف هایش را کاملاً می فهمید. دست کم در ایتالیا، این مغزهای الکترونیکی را دخترهای جوان با دیپلم های کاملاً معمولی برنامه ریزی می کردند و برای آن ها راحت بود با افکار این مغزهای الکترونیکی رابطه برقرار کنند اما برای من قطعاً اینطور نیست.

شش ماه پیش رابرت استوارت، یک دانشگاهی دیگر در رم به دیدن من آمد. او یک مغز شیمیایی اختراع کرده بود و برای یک کنفرانس سایبرنتیک به ناپل می رفت تا این عجیب ترین دستاورد جهان را به آن ها معرفی کند. این مغز در یک جعبه کوچک، روی دسته یی لوله قرار داشت و متشکل از سلول هایی از جنس طلا و سایر مواد بود که در یک محلول شیمیایی قرار گرفته بودند. این سلول ها حیات خود و واکنش های خاص خود را داشتند. اگر شما وارد اتاق می شدید، به شکلی درمی آمدند و اگر من وارد می شدم، به شکل دیگری، میلیون ها سلول در آن جعبه کوچک قرار داشتند.

از این بنیان است که می توان به واقع یک مغز انسانی ساخت. استوارت به آن ها غذا می داد و می خواباندشان، با وضوح تمام راجع به این ها با من صحبت می کرد، اما آن چنان عجیب بود که از یک جایی به بعد دیگر متوجه منظورم نبودم. اگر کودکی از سنین پایین با ربات بازی کرده باشد، می تواند این مسایل را درک کند و اگر بخواهد می تواند با یک سفینه به فضا سفر کند. من به این افراد حسادت می کنم. دوست داشتم سهمی در این جهان جدید داشته باشم. برای نسل های قبل، مثل من

# گفت و گوی ژان لوک گدار با میکل آنجلو آنتونیونی



نباید وضعیت بحرانی این افراد را که تحت تأثیر جامعه است، دست کم گرفت. شاید بشر بدون این وضعیت بحرانی حتا وجود نمی داشت. من هنوز اعتقاد ندارم که زیبایی جهان مدرن به تنهایی قادر به حل تمامی بحران های ما باشد. برعکس، فکر می کنم اگر بیاموزیم چه گونه با تکنیک های جدید زندگی سازگار شویم، شاید راه حل جدیدی برای مشکلات مان بیابیم.

**ربات موجود در اتاق خوابِ پسرک در زنده گی او حضوری خیر دارد یا شر؟**

فکر می کنم حضوری خیر. چون اگر او به آن گونه اسباب بازی عادت کند، خواهد توانست برای گونه یی از زنده گی که در انتظار اوست، آماده شود. اما داریم به آن چیزی که در موردش صحبت می کردیم، برمی گردیم. اسباب بازی ها محصول صنعتی یی هستند که حتا می توانند در تعلیم و تربیت کودکان نیز نقش داشته باشند.

من هنوز مجذوب گفت و گویی هستم که با سیلیویو سچاتو داشتم، او استاد سایبرنتیک دانشگاه میلان است که امریکایی ها احترام زیادی برای او قایل هستند و او را اینستین نوین می دانند. او ماشینی را اختراع کرده که قادر است آنچه را دیده توصیف کند، از رانند یک ماشین گرفته تا نوشتن یک مقاله زیباشناختی، اخلاقی یا سیاسی. این ماشین یک تلویزیون نیست، بلکه یک مغز الکترونیکی حقیقی است. این مرد بسیار باهوش طی گفت و گوی مان حتا از یک اصطلاح فنی استفاده نکرد که من معنایش را ندانم. خوب فکر کردم دارم دیوانه می شوم. بعد از مدتی نمی توانستم معنی حرف هایش را بفهمم. با وجود این که سعی می کرد به زبان من صحبت کند، اما هنوز در دو دنیای متفاوت بودیم. پشت سر او منشی اش

دست آخر به نوعی مصالحه تن می دهد. اختلالات روانی شامل دوره های بحرانی هستند و همین طور دوره های سکون که می تواند تا آخر عمر ادامه داشته باشند. جولیانا شاید به آرامش برسد اما این روان رنجوری برای همیشه با او همراه است. تلاش کردم تا به مدد تصاویری که اندکی خارج از فوکوس هستند، اشاره یی ضمنی به این بیماری مزمن داشته باشم. او در دوره راکد زنده گی اش به سر می برد. به چه چیزی بدل خواهد شد؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال باید فلم دیگری بسازم.

فکر می کنید آگاهی از مدرنیته، انعکاسی در زیبایی شناسی و کارهای تان در مقام یک هنرمند داشته است؟

مسلماً. مدرنیته نگاه مرا تغییر داده است. همه چیز را. پاپ آرت گواهی می دهد که ما به دنبال چیزهای جدید هستیم. این نحله را نباید دست کم گرفت. پاپ آرت یک جنبش «آیرونیک» است و آیرونی آگاهانه به شدت اهمیت دارد. هنرمندان پاپ، سوای رابرت راشنبرگ که نقاش تر از بقیه بود، خوب می دانستند ارزش زیبایی شناختی آثارشان هنوز به بلوغ نرسیده است. من «ماشین تحریر نرم» کلاوس اولدنبرگ را دوست دارم، چون بسیار زیباست. فکر می کنم خوب باشد همه این ها بیان شود و همین می تواند روند تغییری را که گفتم سرعت ببخشد.

**صحرای سرخ در حل مشکلات شخصی تان کمی کرده است؟**

فلم سازی یعنی زنده گی و همین طور حل مسایل شخصی، مسایل کاری و همین طور مسایلی مربوط به زنده گی خصوصی. اگر مردم پس از جنگ راجع به مسایل متفاوتی نسبت به قبل صحبت می کنند، به این دلیل است که خود ما و همین طور جهان پیرامون مان تغییر کرده است. نیازهای مان، اهداف مان و بحث های مان تغییر کرده اند.

پس از جنگ حرف های زیادی برای گفتن وجود دارد. نشان دادن حقایق اجتماعی و موقعیت های اجتماعی فرد است که حایز اهمیت است. امروزه، این مسایل گفته و دیده شده است. موارد جدیدی که باید با آن ها مواجه شویم، همان هایی هستند که اشاره کردم. خودم هنوز نمی دانم چه طور باید با آن ها مواجه شد و بیان شان کرد. فکر می کنم توانسته ام در صحرای سرخ - حتی اگر نه به تمامی - به یکی از آن ها نزدیک شوم. ما تازه با دسته یی از مشکلات، جنبه های مختلف جامعه مدرن و شیوه زنده گی مواجه می شویم.

آیا در آغاز و پایان یک نمای انتزاعی از یک شیء یا بخشی از آن، به مانند یک نقاش عمل می کنید؟

احساس می کنم لازم است واقعیت را در بافتی که کاملاً واقع گرایانه نباشد، بیان کنم. خط سفید انتزاعی یی که پا به جاده خاکستری کوچک می گذارد، توجه مرا بیشتر از ماشینی که به سمت مان می آید، جلب می کند. پرداختن به چیزهایی این چنینی به جای چیزهایی که در زنده گی قهرمان زن وجود دارند - که برای من اهمیتی نسبی دارد - شیوه یی است برای نزدیک شدن به شخصیت جولیانا. به نظر من، کاراکتر او جزئی از داستان است به گونه یی که گمان می کنم داستان بر پایه زنانگی، نگاه زنانه و شخصیت او بنا شده است. به همین دلیل است که می خواستم طرز اجرای این نقش به گونه یی ایستا باشد.

**آیا فلم برداری رنگی، تغییری مهمی برای شما محسوب می شود؟**

خیلی مهم. من مجبور به تغییر تکنیکم شدم، گرچه این تنها به رنگ مربوط نبود. به دلایلی که در موردشان صحبت کردیم، احساس نیاز به تغییر در من به وجود آمده بود. نیازهایم دیگر همان ها نبود و استفاده از رنگ فقط تغییر را تسریع کرد. رنگ نیازمند لژهای دیگری است. جدای از این، فهمیدم که برخی حرکات دوربین دیگر ممکن نیست: یک پن سریع دوربین، هنگامی که رنگ اصلی قرمز روشن است، خوب از کار درمی آید اما با رنگ زیتونی نه، مگر این که بخواهیم کنتراست های جدیدی ارایه کنیم. به نظر من، ارتباطی میان رنگ و دوربین وجود دارد. یک فلم به تنهایی نمی تواند برای بررسی عمیق این موضوع - که باید به طور دقیق بررسی شود - کافی باشد. من تجربیات جالبی با فلم ۱۶ میلی متری داشته ام اما تنها توانستم برخی از جنبه های را که کشف کرده بودم، در فلم بگنجانم. گاهی فقط سر خود را گرم می کنیم. می دانید که چیزی به نام فیزیولوژی روانی رنگ ها وجود دارد که تحقیقات و آزمایش های زیادی در مورد آن انجام شده است. در فلم، داخل کارخانه به رنگ قرمز است و کسانی که در صحنه کار می کردند، در عرض دو هفته کارشان به دعوا کشید. آزمایش تکرار شد و با رنگ سبز کم رنگ، آرامش بازگشت. چشم های آن ها نیاز به آرامش داشت.

مردومه، مهر ۱۳۹۲

از مجله:

1964 160, November Cahiers du Cinema  
Translated by Andrew Taylor

**آیا جولیانا در انتهای فلم به همسرش شبیه می شود؟** به نظر من، او پس از تلاش در برقراری ارتباط با واقعیت،



# از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

## از ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



**خاطرات لی کووان یو**  
**اقتباس و ترتیب: محمود کرزی**

### بخش نخست

کتابی که برخی مطالب آن به طور فشرده در اینجا تقدیم می شود حاوی راهبردهای عالی و هوشمندانه‌یی است که توسط رهبر معروف سنگاپور آقای لی کووان یو (تولد ۱۶ سپتمبر ۱۹۲۳) به منظورش تأمین هدف انکشاف اقتصادی - اجتماعی طرح و پیشنهاد شده اند. این راهبردها، راه حل‌های مؤثری را برای معضله‌هایی ارائه می‌کنند که زمانی مردم سنگاپور با آن‌ها روبرو شده اند. کتاب آقای یو اثری است زیبا و خواندنی. این اثر مملو از مفکوره‌ها و راه حل‌های تازه و مبتکرانه‌یی است که به منظور تقابل با معضله عقب مانده‌گی اقتصادی - اجتماعی طرح گردیده و توسط خود آقای یو در عمل مورد تطبیق قرار داده شده اند. مطالعه کتاب آقای یو، بدون تردید، برای کسانی مفید و حتمی است که هدف آن‌ها را جست‌وجوی راه‌های انکشافی سازگار با فرهنگ، عادات، تاریخ، و ساختار اجتماعی جامعه در حال انکشاف، تشکیل می‌دهد. آنچه در این جا مطالعه می‌کنید شامل برخی از مفکوره‌ها و اقداماتی است که در اثر آقای یو مورد بحث قرار داده شده و تطبیق آنها در عمل اسباب انکشاف سریع سنگاپور را ببار آورده است. افکار و شیوه انکشافی مؤفقت آمیز آقای لی کووان یو توجه عدّه زیادی از رهبران جهان سوم را به خود جلب نموده و خاصاً در ممالک آسیای شرقی مورد تطبیق قرار گرفته اند. به بیان دیگر، چنین به نظر می‌رسد که این شیوه انکشافی، مدل یا الگوی دقیق و مؤثری را برای مهندسی اقتصادی - اجتماعی در کشورهای جنوب شرق آسیا ارائه کرده است.

کرده است. برخی از استراتژی‌های انکشافی آقای لی کووان یو که مؤفقت انکشاف اقتصادی سنگاپور به آنها نسبت داده می‌شود، به زبان خود او در ذیل تقدیم می‌شود.

۱. راهی که باید به تهایی طی می‌شد (صفحه ۱۹ و بعد) کتابها و آثاری وجود دارند که شیوه اعمار منزل، ترمیم ماشین آلات، یا نگارش و تألیف کتاب را به انسان می‌آموزند. ولی من در زنده‌گی کتابی را ندیده یا نخوانده‌ام که به انسان شیوه ساختن ملت را از جماعتی بی‌آموزد که از گروه‌های متفاوت مهاجرین چینی، هندوان برتانوی، و اندونیزیاییان هالندی تشکیل شده باشد. همچنان من تا کنون کتابی را ندیده‌ام که راه ایجاد درآمد را برای مردم سرزمینی نشان دهد که نقش قبلی خود را به حیث بندرگاه/ایستگاه تجاری از دست داده و با تهدید گرسنگی مواجه باشد.

من هرگز انتظار نداشتم که در سال ۱۹۶۲، در سن ۴۲ سالگی، مسولیت سنگاپور مستقل، و حیات دو میلیون نفوس آن را به عهده بگیرم. از سال ۱۹۵۹، زمانی که هنوز ۳۵ سال داشتم، سمت صدراعظمی دولت خودگردان سنگاپور را عهده دار بودم. ما در سال ۱۹۶۳ به فیدراسیون مالیزیا پیوستیم. به زودی تفاوت نظرهای اساسی میان سنگاپور و حکومت فیدرال ظهور نمود؛ این امر سبب شد تا به طور ناگهانی به تاریخ نهم اگست سال ۱۹۶۵ به حیث یک دولت مستقل ظهور نموده و راه دشوار انکشاف و خروج از فقر را به تنهایی در پیش بگیریم. از ما خواسته شد تا مالیزیا را ترک گفته و بدون داشتن رهنمودی بسوی آینده، در جهت منزل بعدی خود براه بافتیم.

در این آوان، مشکلات زیادی فرا راه ما قرار داشت و شناس بقای ما غیر محتمل به نظر می‌رسید. سنگاپور کشوری

طبیعی نبود؛ ما مملکتی بودیم که خود به وجود آورده بودیم و در طول تاریخ جزء قلمرو دیگران به شمار می‌رفتیم. ما محض سرزمینی بودم که بریتانیا آن را به حیث ایستگاه/ بندرگاه تجاری خود به وجود آورده و از آن در سمت نقطه وصل تجارت جهانی خود استفاده می‌کرد. ما این جزیره را به شکل یک نوار ساحلی، بدون سرزمین‌های مربوطه عقبی آن به میراث برده بودیم؛ این سرزمین در حقیقت قلبی بود که بدنه آن در اختیار ما قرار نداشت.

تبصره‌های مطبوعاتی بعد از استقلال سنگاپور همه مملو از پیشبینی‌های بدبینانه بود و این امر به تشویش‌های من می‌افزود. یکی از نویسندگان، خروج بریتانیا از مستعمرات را با نزول امپراطوری روم مقایسه می‌کرد که در قبال خروج قوای روم از سرزمین‌های مستعمره، قانون و نظم سقوط نمود و اقوام وحشی بر امپراطوری مسلط شدند. دینیس وارنر بتاريخ دهم اگست ۱۹۶۵ در Sydney Morning Herald چنین نوشت: «یک سنگاپور مستقل سه سال قبل قابل بقا نداشته نمی‌شد. هیچ نشانه‌ای در وضع کنونی نشان نمیدهد که سنگاپور امروز از قابلیت بقای بیشتری برخوردار باشد.» ریچارد هیو بتاريخ ۲۲ اگست ۱۹۶۵ در London Sunday Times چنین نوشت: «اگر پایگاه‌های برتانوی که ۱۰۰ میلیون پوند هزینه بر میدارند مسدود شوند، اقتصاد سنگاپور سقوط خواهد نمود.» من این تشویش‌ها را بجا می‌پنداشتم، ولی آنها را بزبان نمی‌آوردیم؛ وظیفه من دادن امیدواری به مردم بود نه تضعیف روحیه آنها.

مهمترین سوالی که در ذهن من خطور می‌کرد این بود که بریتانیا تا چه زمانی می‌توانست پایگاه‌های خود را در سنگاپور نگهدارد. هارولد ویلسن (صدر اعظم وقت بریتانیا) با مخالفت اعضای حزب خود در پارلمان مواجه بود. سیاست «شرق کانال سوز» پرهزینه بود و کسب رأی بیشتر را برای حزب کارگر در بر نداشت. حکومت حزب کارگر بریتانیا نیاز احساس میکرد تا پول دستداشته خود را بیشتر در راه تمویل برنامه‌های رفاهی‌ای به مصرف برساند که سبب کسب رأی میشدند. ایالات متحده، به حیث یگانه قدرتی که میتوانست امنیت و ثبات را در آسیای شرقی تضمین نماید، به نوبه خود، مصروف جنگ گوریلانی‌ای در ویتنام بود که در میان متحدین امریکا و حکومت‌های آسیایی و افریقائی انزجار شدیدی را ایجاد کرده بود. پروپاگندهای ضد امریکائی توسط اتحاد شوروی و جمهوری مردم چین در جهان سوم بطور مؤثری کارگر افتاده بود. من احساس میکردم که اجازه دادن به ایالات متحده به منظور تقبل نقش بریتانیا در سنگاپور اگر ناممکن نباشد، افلا (از نگاه سیاسی) پرهزینه خواهد بود. از سوی دیگر، استرالیا و زیلاند جدید تضمین کنندگان قابل اعتباری برای سنگاپور بوده نمی‌توانستند.

من هراس داشتم که نفوذ بریتانیا به آهستگی ولی بطور قطعی کاهش یافته و نفوذ ایالات متحده افزایش اختیار خواهد کرد.

### پاکستان نه غواری چی په...

د سر سري ژوندي پاته شي. د جمهور آژانس د خبر له مخې ښاغلی راز وايي، چې په افغانستان کې د افغان مشرانو د وژنې ورته پلانونو په گاونډي هېواد پاکستان کې جوړېږي او د پلي کېدا له پاره يې گڼ شمېر کسان په دندو گومارل کېږي.

ښاغلي رازق په خپلو خبرو کې زیاته کړې «د پتیا د وژني طرحه د پنجاب له لوري جوړه سوي او دا به ووايو چې د ډيورنډ کرښي دا غاري او ها غاري ته مشران وژل کيږي او پاکستان داسې پلان له ډېره وخته لري چې د پنځو کسو مشر وي لايي وژني، مور به د پېښي عاملين خامخا نيسو او خامخا به يې د قانون منگولو ته سپارو.»

ده وويل چې په افغانستان کې ډېر مشران د پنجاب د جوړو سويو دسيسو قرباني شوي دي او هڅکله دا ورته د زغملو او منلو وړ نه ده چې مشران دي يې تهديد او يا خو و وژل شي.

باید وویل شي، د کندهار مرستیال والي عبدالقدیم پتیا تېره اوونۍ په داسې حال کې چې په کندهار پوهنتون کې په خپل ټولگي کې ناست وو، د یوه کس له خوا پرې د کړکۍ نه ډزې وشوې چې روغتون ته په لار یې ساه ورکړه. نوموړی نه یوازې د کندهار مرستیال والي بلکې شاعر، لیکوال او په ټولنیزو چارو پوه کس وو، چې وژنې یې په کورنۍ کچه غبرگونونه راپارولي دي.

# حمله مرموز بر جان جنرال ظاهر ظاهر



یک حمله کننده انتحاری حوالی ساعت هشت صبح روز گذشته خود را در داخل دفتر فرمانده پولیس ولایت کابل منفجر کرد.

یک منبع پولیس که خواست نامش فاش نشود، به رسانه‌ها گفت: « فرد انتحاری با یک موتر خاص (البته هنوز شناسایی نشده) وارد فرماندهی پولیس کابل شده و در داخل دفتر جنرال ظاهر ظاهر فرمانده پولیس کابل در انتظار داخل شدن وی بوده که در فاصله ۳ تا ۴ دقیقه پیش از داخل شدن آقای ظاهر به دفتر کارش خود را انفجار داده است.»

رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات را گرفت. جنرال ظاهر در روز برگزاری انتخابات گفت که «دزد را با پشتاره گیر کرده است.»

با این حال، او بارها از جانب گروه‌های تبه‌کار و تروریستی تهدید به مرگ شده است.

قبلاً رییس خدایاد، سر دسته یک باند تبه‌کار در کابل جنرال ظاهر ظاهر را تهدید کرده بود.

حمله بر دفتر جنرال ظاهر، بازتاب گسترده‌یی در شبکه‌های اجتماعی داشت. شهروندان کشور از این‌که این حمله ناکام شده است، ابراز خرسندی کرده‌اند و خواستار تحقیقات جدی در این خصوص شدند.

آن‌ها از جنرال ظاهر خواسته‌اند که نتیجه تحقیقات خویش را با مردم در میان بگذارند.

تاهنوز روشن نیست که عامل انتحاری چه‌گونه توانسته خود را از نقاط بازرسی بسیار حساس فرماندهی پولیس بگذارند و خود را به دفتر فرمانده پولیس کابل برساند.

طالبان مسولیت این رویداد را بر عهده گرفتند.

کارکشته‌ترین جنرال‌های پولیس افغانستان است. آقای ظاهر به دلیل کارکردهای قابل توجهی که در چندسال اخیر داشته است، از محبوبیت خاصی در میان شهروندان کشور برخوردار است. پس از دست‌گیری حبیب استالف و عاملان تجاوز گروهی پغمان که همه به دار آویخته شدند، محبوبیت جنرال ظاهر دو چندان شد.

آقای ظاهر در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز پس از آن سر زبان‌ها افتید که جلو تقلب ضیاءالحق امرخیل

در این حمله، دگروال یاسین مسوول دفتر جنرال ظاهر کشته شده و در کنار آن هشت تن دیگر به شمول غیرنظامیان زخم برداشته‌اند.

جنرال ظاهر دپروز پس از این حمله گفت که این انفجار توسط یک عامل انتحاری انجام شده و فرد انتحاری در لباس غیرنظامی بوده است.

آقای ظاهر تصریح کرد که تحقیقات ابتدایی آغاز شده است.

جنرال ظاهر ظاهر فرمانده پولیس کابل، یکی از



## دختری در سرپل، به خاطر حامله شدن به قتل رسید



یک دختر جوان به نام گل‌بی بی در ولسوالی گوسفندی ولایت سرپل توسط پدرش به قتل رسید. عنایت الله حبیبی فرمانده امنیه ولسوالی گوسفندی در صحبت با خبرنگاری جمهور علت قتل این دختر را حامله شدنش در خانه پدری بدون شوهر کردن، عنوان کرد.

به گفته فرمانده ولسوالی گوسفندی، این قتل به کمک ماما و توسط پدر دختر پس از افشا شدن از قضیه حاملگی وی صورت گرفته است.

اینکه این دختر چگونه حامله شده؛ هنوز معلوم نیست و پولیس پدر و مامای مقتول را بازداشت نموده و تحقیقات برای یافتن شخصی که با این دختر رابطه برقرار نموده بوده ادامه دارد. قتل‌های ناموسی در جامعه افغانستان از دیر زمان معمول بوده و جزو سنت‌های پیشینه آن به شمار می‌آید. اگر زنی در یک خانواده بدون شوهر حامله شود و یا به داشتن رابطه غیرقانونی با کسی متهم شود، بدون درنگ از سوی مردان خانواده به قتل می‌رسد.

در همین حال، دریک رویداد جداگانه در ولسوالی کوهستانات این ولایت، بر اثر انفجار ماین جاسازی شده توسط مخالفان دولت، پای یک کودک ۸ ساله قطع گردیده است.

هم‌چنین سیداسدالله دانش رییس شورای ولایتی سرپل می‌گوید که ۷ تن از افراد ملکی در منطقه صفاک ولسوالی کوهستانات این

ولایت توسط مخالفان مسلح دولت به جرم همکاری با دولت به اسارت در آمده‌اند.

منطقه صفاک یکی از دورافتاده‌ترین مناطق ولسوالی کوهستانات ولایت سرپل می‌باشد که با ولایت‌های فاریاب و غور مرز مشترک دارد و از محروم‌ترین مناطق این ولایت به حساب می‌آید. چندی پیش در همین منطقه تعداد ۲۶۰ بکس صندوق واکسین که برای واکسین نمودن اطفال توسط کارمندان صحتی ولایت فرستاده شده بود، به وسیله طالبان به آتش کشیده شده بود.

به باور طالبان واکسین نمودن اطفال دخالت در کار خدا و یک عمل شیطانی محسوب می‌شود و شفا دهنده واقعی فقط خداوند است. هرکس به غیر از خدا از کسی و یا چیزی دیگر شفا بطلبد مشرک به حساب می‌آید.

## استقبال گسترده از برگزاری دومین جشنواره بین‌المللی فیلم زنان در هرات



دومین جشنواره بین‌المللی فیلم زنان که در قلعه تاریخی ارگ هرات برگزار شد با استقبال گسترده روبرو شده است.

در این جشنواره ۵۰۰ فیلم از ساخته‌های کارگردانان داخلی و خارجی برای به دست آوردن مقام بهترین فیلم به رقابت خواهند پرداخت.

سینماگران کشور راه‌اندازی این جشنواره را برای معرفی سینما و توجه به این هنر در کشور تاثیر گذار خوانده‌اند.

رویا سادات، مسوول برگزاری این جشنواره به خبرنگاری بحدی گفت: «در این برنامه قرار است تا ۴۶ فیلم برگزیده شده از ۵۰۰ فیلم جهانی، به نمایش گذاشته شود.»

به گفته او، این فیلم‌ها بیشتر با محتوای زندگی زنان در طول تاریخ، فراز و نشیب مشکلات زنان و دستاوردهای آنان است.

آریا رویان، رییس اطلاعات و فرهنگ هرات نیز می‌گوید که چالش‌ها در برابر سینماگران در این ولایت نگران کننده است که به گفته او، به رشته هنری سینما و فیلم سازی در هرات باید توجه جدی صورت بگیرد.

جشنواره بین‌المللی فیلم زنان برای دومین بار

است که در ولایت هرات برگزار می‌شود. مسوولان برگزاری این جشنواره می‌گویند که این دور برای سه روز ادامه خواهد داشت.

به گفته آنان، در این همایش برخی از فیلم‌سازان سرشناس ایران، تاجیکستان و چند کشور دیگر شرکت کرده‌اند و قرار است آنان در جمع‌بندی این جشنواره همکاری کنند.

در همین حال شماری از اشتراک کنندگان که بیشتر فرهنگیان و سینماگران هستند، عدم پشتیبانی و حمایت دولت از سینما را بزرگترین مشکل فرا روی این هنر می‌دانند.

آنان برگزاری این جشنواره را برای حضور زنان در سینما و معرفی و توجه به این هنر در کشور تاثیر گذار عنوان کرده‌اند.

## رهایی یک مهندس چینی از چنگ ربایندگان



یک مهندس چینی در ولایت پروان از چنگ ربایندگان نجات داده شد.

مسوولان امنیتی ولایت پروان می‌گویند: این انجینیر چینی که یک ماه پیش از کابل اختطاف و به ولایت پروان انتقال داده شده بود؛ هنگام گشت‌زنی نیروهای امنیتی پروان از منطقه «سنجدره» مرکز ولایت پروان پیدا شد.

محمدزمان مموزی فرمانده پولیس ولایت پروان در این مورد به خبرنگاری جمهور گفت: «صبح امروز (دیروز) اختطاف‌چیان که این انجینیر چینی را از یک جا به جای دیگر انتقال می‌دادند؛ نیروهای پولیس در حال گشت‌زنی بودند؛ زمینه برای شان مساعد نشده بود که آن‌را به جای دیگر انتقال بدهند و در منطقه سنجدره رها کردند.»

به گفته آقای مموزی، برخی از افراد باشندده ولایت پروان با گروه‌های اختطاف‌چی دست دارند؛ از همین رو کسانی که از کابل اختطاف می‌شوند به ولایت پروان انتقال داده می‌شوند. ولایت پروان در ۶۰ کیلومتری کابل پایتخت کشور قرار دارد.

## سی‌ان‌ان اوباما را کشت!



یک حرف با این کلمه فرق دارد.

اخیرا یک نظامی آمریکایی به نام رابرت اونیل ادعا کرده فردی است که اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده را در جریان عملیات در ابیت آباد پاکستان کشته است.

این نظامی ۳۸ ساله آمریکایی اخیراً با شبکه خبری سی‌ان‌ان در خصوص این مساله به مصاحبه پرداخت. پیشتر شبکه فاکس نیوز آمریکا نیز اعلام کرده بود که قصد دارد مصاحبه‌ای انحصاری با این نظامی آمریکایی انجام دهد اما شبکه سی‌ان‌ان طی یک رقابت خبری به منظور مصاحبه با وی پیش دستی کرد. با این حال عجله بیش از حد کار دست این شبکه داد.

سی‌ان‌ان در ابتدای گزارش خود زیرنویس کرد: نظامی آمریکایی که مدعی کشتن اوباما است مورد انتقاد قرار گرفت.

شبکه خبری سی‌ان‌ان در گزارشی که به منظور بررسی کشته شدن اسامه بن لادن پخش کرد به اشتباه نام اوباما را به جای اسامه بن لادن به کار برد و اوباما را کشت! به گزارش شبکه سی‌ان‌ان، کلمه اسامه به زبان انگلیسی Osama نوشته می‌شود و در مقابل Obama نیز تنها در



### مورینیو:

## قهرمانی بدون شکست امکان‌پذیر نیست

و روز بعد پیروز خواهیم شد. مهم این است که تیم من ثبات داشته باشد. سرمربی چلسی ادامه داد: سال‌هاست که در فوتبال هستم و می‌دانم که لحظات تلخ هم فرا خواهد رسید. زمانی می‌رسد که تیم بازی بد خواهد کرد و شکست خواهد خورد. مهم این است که برای آن زمان برنامه داشته باشیم.

فن‌آوری خط دروازه در صحنه گل اول چلسی به کمک داور آمد و باعث شد بازی به تساوی کشیده شود. پس از این صحنه خیلی‌ها یاد گل جنجالی لوئیس گارسیا افتادند جایی که توپ از خط دروازه چلسی عبور نکرد ولی داور مسابقه آن را گل تشخیص داد تا چلسی از لیگ قهرمانان حذف شود.

مورینیو درباره فن‌آوری خط دروازه گفت: من هر چیزی که به داوران کمک کند تصمیم درستی در زمین مسابقه بگیرند، قبول دارم. درست است که پول زیادی صرف فن‌آوری خط دروازه شده ولی این فن‌آوری کاملاً به سود فوتبال است؛ چرا که بازی قطع نمی‌شود تا داور این صحنه را بازبینی کند بلکه تصمیم در ثابته است و این سرعت بازی را هم کاهش نمی‌دهد. به نظر من باید علاوه بر فن‌آوری خط دروازه یک داور هم پشت دروازه‌ها قرار گیرد. ما در بازی با ماریبور صاحب یک ضربه پنالتی شدیم که داور نتوانست آن را ببیند. در حالی که اگر یک داور هم پشت دروازه‌ها باشد، شرایط خیلی بهتر خواهد شد.



سرمربی چلسی می‌گوید هدفش در این فصل قهرمانی در لیگ برتر است ولی رسیدن به این هدف بدون شکست امکان‌پذیر نخواهد بود. چلسی با برتری خارج از خانه در هفته یازدهم لیگ برتر ۲۹ امتیازی شد تا همچنان در صدر جدول قرار داشته باشد. این هفدهمین بازی چلسی در این فصل بود که با پیروزی آبی‌های لندن به پایان رسید. آنها این فصل تیم بدون شکست فوتبال جزیره بودند.

ژوزه مورینیو، سرمربی چلسی پس از پیروزی تیمش برابر لیورپول در پاسخ به این سوال که آیا آنها می‌توانند تا پایان فصل بدون شکست باشند، گفت: قهرمانی در این فصل امکان‌پذیر است و ما برای این هدف خواهیم جنگید ولی شکست نخوردن امکان‌پذیر نیست و قهرمانی بدون شکست شدنی نخواهد بود. ما قطعاً شکست خواهیم خورد. فوتبال همین است. ما یک روز شکست می‌خوریم

### عذرخواهی یحیی توره از یک تماشاگر

یحیی توره از دختر بچه‌یی که در جریان بازی منچستر سیتی و کوئینز پارک رنجرز توپ به صورتش برخورد کرد، عذرخواهی کرد.

منچستر سیتی و کوئینز پارک رنجرز در هفته یازدهم لیگ برتر در لوفتوس رود به تساوی ۲ بر ۲ رضایت دادند. در جریان این دیدار یحیی توره هافبک ساحل‌عاجی منچستر سیتی با شوتی دروازه حریف را نشانه گرفت که توپ این بازیکن به صورت دختر بچه‌ای اصابت کرد که در بین تماشاگران قرار داشت. این دختر بچه خردسال نیز پس از این صحنه به بیرون از ورزشگاه برده شد و نتوانست ادامه بازی را ببیند.

یحیی توره پس از آگاهی از این اتفاق از این دختر خردسال عذرخواهی کرد و پیراهن امضا شده‌اش را به او اهدا کرد و گفت: خیلی نگران او بودم. وقتی فهمیدم حالش خوب است خیالم راحت شد. با او و پدرش تلفنی صحبت کردم و فهمیدم حالش خوب است.

همچنین باشگاه کوئینز پارک رنجرز اعلام کرد تمام بلیط‌های خانگی بازی‌های این تیم را به این دختر خردسال اهدا خواهد کرد.



### گوآردیولا:

## به خاطر لیگ قهرمانان خسته بودیم



او در دفاع بسیار مستحکم و فشرده بازی می‌کند. ما کمی در این دیدار خسته بودیم و این به خاطر بازی در لیگ قهرمانان اروپا بود اما خوشبختانه در نهایت پیروز از میدان خارج شدیم و این بسیار خوشحال‌کننده است. الان دیگر بازیکنان باید به اردوی تیم‌های ملی خود روند و دو هفته‌ای آنها را در اختیار نداریم. باید بتوانیم آمادگی خود را حفظ کنیم.

بایرن با این پیروزی ۲۷ امتیازی شد و به تنهایی در صدر جدول قرار گرفت. نزدیک‌ترین تعقیب‌کننده این تیم ولفسبورگ است که با یک بازی کمتر از امتیاز در جایگاه دوم قرار دارد اما نکته جالب درباره جدول رده‌بندی بوندسلیگا این است که تیمی چون بوریسیا دورتموند با ۷ امتیاز در قعر جدول جای دارد!

سرمربی اسپانیایی بایرن مونیخ از عملکرد شاگردانش در دیدار برابر فرانکفورت راضی بود و این پیروزی را به آنها تبریک گفت.

بایرن مونیخ در هفته یازدهم بوندسلیگا کار راحتی برابر فرانکفورت داشت و توانست با نتیجه ۴ بر صفر به پیروزی برسد و سه امتیاز حساس این دیدار را هم به دست آورد.

ستاره بایرن در این دیدار توماس مولر بود که سه گل به ثمر رساند. گل دیگر بایرن را هم ژردان شکیری به ثمر رساند. پپ گوآردیولا، سرمربی بایرن از نمایش شاگردانش در این دیدار راضی است و این پیروزی را به آنها تبریک گفت. سرمربی اسپانیایی بایرن بعد از بازی گفت: همواره بازی کردن بعد از لیگ قهرمانان اروپا بسیار سخت است. بازیکنان همه خسته هستند و آماده کردن آنها کار سختی است با این حال بازی خوبی را به نمایش گذاشتیم. بازیکنان بایرن نشان دادند تا چه اندازه حرفه‌ای هستند. از آمادگی بالایی آنها شگفت زده شدم. آنها در این دیدار هم تلاش زیادی داشتند و نشان دادند که شایسته پیروزی هستند.

او ادامه داد: همواره بازی برابر شاگردان توماس شاف سخت است؛ چرا که تیم



## «شاخه‌ای به حرمت درخت» نقد شد



روایت‌ها است که خوانش شعرها را دل‌پذیرتر می‌سازد.

هم‌چنان، روح‌الله بهرامیان تشنه منتقد و استاد دانشگاه در این برنامه گفت: «فضا در شعرهای این مجموعه دوگونه آمده است؛ گاهی خواننده با فضای شعر سپید روبرو است و گاهی هم فضای شعر آزاد آمده است. همین‌گونه واژه‌هایی که در شعرها استفاده شده یک‌بار هویت فرهنگی دارند و بار دیگر به هستی واژه تبدیل شده‌اند.»

این استاد دانشگاه افزود: مهمترین جانمایه در این اثر به کارگیری شعر در خدمت اجتماع است که در افغانستان این مورد همیشه جایگاه دوم داشته است.

آقای بهرامیان هم‌چنان گفت: نترس بودن و جرأت شاعر از ویژه‌گی‌های برجسته شعرهای این مجموعه است که در سراسر سروده‌ها نگریده می‌شود.

نصرت‌الله الم سخنان دیگر این برنامه برجسته بودن دغدغه‌های هویتی، دین و اجتماعاً یکی از کارهای ویژه عصمت‌الله عاصم اسفزاری دانست.

شاخه‌ای به حرمت درخت در هزار نسخه از طرف چاپخانه مهر حبیب در پاییز امسال در هرات به نشر رسیده است.

این مجموعه را شمس‌الدین احراری برگ‌آرای کرده و فرید مجیدی طرح پشتی آن را ریخته است که در ۸۴ برگ ۵۵ سروده را در خود جا داده است.

شاخه‌ای به حرمت درخت پیش از این در ولایت هرات روگشایی شده بود.

برنامه نقد و روگشایی شاخه‌ی به حرمت درخت با اجرای موسیقی توسط امید پارسا و صرف عصریه به پایان رسید.

### هارون مجیدی

از نخستین مجموعه شعری عصمت‌الله عاصم اسفزاری در انجمن خراسانیان روگشایی و نقد صورت گرفت.

در این برنامه، شماری از استادان دانشگاه، شاعران، نویسندگان و دانشجویان اشتراک کرده بودند.

در آغاز برنامه، آقای اسفزاری در پیوند به آغازین کارها و علائقش به سرودن و ادبیات سخن زد.

او گفت: «از صنف دهم مکتب به کارهای ادبی پرداخته‌ام. بعد از گذشت چند سال نوشته‌هایی داشتم که به آن‌ها متن می‌گفتند و چیزی میان شعر و نثر بود؛ از آن‌جایی که مخاطب کمتری داشت لاجرم از آن دست کشیدم. پیش از این کارهایم در قالب غزل، رباعی و دوبیتی بوده است.»

شاعر مجموعه شاخه‌ای به حرمت درخت هم‌چنان گفت: من در این مجموعه کمتر به کارهای عاشقانه پرداخته‌ام و بیشتر دغدغه‌های اجتماعی و تباری در این شعرها آمده‌اند. این موارد را کمتر می‌توانستم در شعر موزون بسرایم به همین دلیل رو آوردم به قالب‌های بی‌وزن.

سهراب سامانیان از منتقدینی بود که به نقد شعرهای آقای اسفزاری پرداخت. او گفت: کمتر نویسندگان امروز به رسالت خود شان راجع به رُخ‌دادهای محیط خود می‌پردازند که آقای اسفزاری به این رسالت پرداخته و خواسته رسالت خود را در پیوند به پاس‌داری از هویت و فرهنگ خود به جا آورد.

او افزود: «موردی دیگری را که من در سروده‌های این مجموعه دیدم آمدن

## مبارزه دولت وحدت ملی در برابر فساد به کجا می‌انجامد؟

از طرف مردم حمایت شود چون در تقابل با زورمندان قرار می‌گیرد.»

### مانع دوم: اداره‌های فاسد

رشوه خواری و فساد در حکومت قبلی به امر عادی تبدیل شده بود. تقریباً هیچ کارمند دولتی به دلیل اختلاس، رشوه ستانی و یا کارشکنی در اداره، محاکمه نشد و مورد پیگرد قرار نگرفت، هرچند هر از گاهی اتهام‌هایی مطرح می‌شد. سیستم مجازات و مکافات برای کارکنان صادق و فاسد کمتر وجود داشت.

عزیزالله لودین، رییس پیشین اداره عالی مبارزه با فساد می‌گوید حدود ۳۰۰ دوسیه افرادی را که در فساد دست داشتند به نهادهای تحقیقی و عدلی

دولت افغانستان سپرده بود، ولی هیچ یک از این دوسیه‌ها بررسی نشدند.

آقای لودین می‌گوید دوسیه‌های فساد وزیران، شاروال‌ها و مقام‌های بلندپایه دولتی را ترتیب داد تا مورد پیگرد قرار گیرند، ولی این افراد نه تنها محاکمه نشدند بلکه با گذشت هر روز قدرتمندتر می‌شدند و به پست‌های عالی‌تر دولتی راه می‌یافتند.

لودین می‌افزاید: «در چنین حالتی چطور می‌توانید دوسیه آماده کنید و آدم فاسد را با اسناد بگیرید؟ در حالی که همین شخص هم چشم سفیدتر شود و هم به مقامات بالا مقرر شود.»

این مقام پیشین اداره عالی مبارزه با فساد می‌گوید بخشی از فساد به معاش ناکافی کارمندان بستگی دارد. به باور آقای لودین تا زمانی که ماموران پایین رتبه دولتی، معاش کافی برای امرار معیشت نداشته باشند، مبارزه با رشوه ستانی دشوار است.

### مانع سوم: نبود تیم موثر

یک و نیم ماه از شروع ریاست جمهوری غنی می‌گذرد، اما اراده جدی او در مبارزه با فساد هنوز حمایت یک تیم منسجم را با خود ندارد. کابینه جدید هنوز تعیین نشده و وزیران حکومت قبلی به عنوان سرپرست کار می‌کنند. آقای غنی گفته است که در معرفی وزیران جدید عجله نمی‌کند زیرا تلاش دارد تا افراد متخصص در راس وزارت‌ها قرار گیرند. اگر دولت می‌خواهد با فساد مبارزه کند ابتدا باید افرادی را از فساد به اداره‌های کلیدی گماشته شوند.

انجنیر ذکریا می‌گوید تشکیل تیم جدید در کابینه و تعهد آن‌ها برای مبارزه با فساد، برای پایان دادن به عمر اداره‌های فاسد، نقش اساسی دارد: «فرایند جابجا کردن عناصر خوب بجای عناصر فاسد مهم است تا کسانی که خوب آموزش دیده‌اند و مشکلات افغانستان را درک کرده‌اند، در راس وزارت‌خانه‌ها قرار گیرند.»



محمد اشرف غنی رییس‌جمهور در نخستین روزهای کاری اش مبارزه با فساد را آغاز کرد. جدیت رییس‌جمهور جدید افغانستان خوشبینی‌هایی را برای ایجاد یک حکومت کارا و مسلکی در بین مردم به وجود آورده است.

بازگشایی پرونده کابل بانک، تغییر در رهبری دادگاه عالی، شروع بررسی فساد مالی در شفاخانه سردار داوود و رسیدگی به پرونده زندانیان، اقداماتی است که رییس‌جمهور غنی در هفته‌های اول کارش انجام داد. تحلیلگران می‌گویند اراده رییس‌جمهور در مبارزه با فساد می‌تواند در مهار این پدیده موثر واقع شود اما افغانستان راه دشواری تا مبارزه واقعی با فساد در پیش دارد.

به گزارش دوپچه‌وله، محمد عظیم محسنی، نماینده ولایت بغلان در پارلمان افغانستان می‌گوید بزرگترین خلای حکومت قبلی، نبود اراده مبارزه با فساد بود و حالا که این اراده وجود دارد باید حمایت شود. او متیقن شده است که آنچه را رییس‌جمهور در این راستا وعده داده است عملی می‌شود.

### مانع اول: زورمندان

در انتخابات ریاست جمهوری ۱۶ حمل و ۲۴ جوزا، زورمندان محلی در کنار اشرف غنی و عبدالله عبدالله برای آن‌ها کمپاین می‌کردند. تحلیلگران می‌گویند شخصیت‌های متنفذی که حلقه اصلی رییس‌جمهور و رییس‌اجرائی را تشکیل می‌دهند همین افراد زورمند هستند و برخی از همین چهره‌ها اگر به فساد آغشته هم نباشند از فساد و فسادپیشه‌ها حمایت می‌کنند.

انجنیر ذکریا، نماینده دیگر پارلمان بودن این افراد در کنار رییس‌جمهور و رییس‌اجرائی را مانعی در مبارزه با فساد می‌داند: «چون برخی از حلقات شخصیت‌های قومی و مذهبی و سیاسی دیروز هستند که با داشتن اسلحه و تفنگ، از اشخاص فاسد حمایت می‌کنند. جناب اشرف غنی اراده نیک کرده اما این اراده باید

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفترأ خارجی
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
  - شش ماهه - ۲۰۰ دالر
  - نه ماهه - ۳۰۰ دالر
  - یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسییده په منزل یا دفترأ
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
  - شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
  - نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
  - یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰